



## فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و نهم - بهار ۱۳۹۸ - از صفحه ۱۱۷ تا ۱۳۵

### کاربرد نماد و تمثیل در شعر عطار نیشابوری

جعفر هواسی<sup>۱</sup>، سید احمد حسینی کازرونی<sup>۲\*</sup>، فرزانه یوسف قنبری<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دوره‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

#### چکیده

عطار نیشابوری، شاعر و عارف بزرگ قرن ششم و هفتم، معانی و مضامین بلند عرفانی را به بهترین وجه در قالب نماد و تمثیل ارائه می‌دهد. او در چهار اثر معروف خود (منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه) رمز و نماد را پایه و اصل داستانهایش قرار داده است. بازیگران صحنه‌های او نماد و تمثیلی هستند که هدف والای این شاعر را به بهترین وجه آراسته‌اند. تمثیل‌های به کار رفته در آثار عطار، گزارشگر احساسات و تجربه‌های اوست. و برای وصول به اهداف واقعی خود برای وصول به اهداف واقعی خود با بیان تمثیلی و غیر مستقیم از تلخی و گزندگی پند می‌کاهد. در این نوشتار نویسندگان جهت ضرورت تحقیق با محور قرار دادن چهار اثر عطار به تشریح توصیفی مبنی بر تجزیه و تحلیل نمادها و تمثیل‌های به کار رفته در شعر این شاعر پرداخته است.

واژگان کلیدی: نماد و تمثیل، منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرارنامه‌ی عطار

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۲۸

\* پست الکترونیک نویسنده مسؤول: sahkazeruni@yahoo.com

ghanbari.1977@yahoo.com

### مقدمه

نماد یا سمبل که به آن مظهر هم گفته می‌شود، بخش مهمی از ادبیات ما را به خود اختصاص داده است. یکی از شاعران نامدار زبان فارسی یعنی عطار نیشابوری آثار گرانقدر خود یعنی (منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرارنامه) را به نماد و تمثیل آراسته است. جو خفقان و دردآور در دوره‌ی عطار نیشابوری بعد از حمله‌ی خانمان سوز مغول، اجزای سخن گفتن صریح به مردم و نویسندگان و شاعران نداده است و از این رهگذر بوده است که نویسندگان و هنرمندان ناچار به دنبال آفرینش آثاری با زبان نمادین و تمثیلی بوده‌اند. در منظومه‌ی «منطق الطیر» با شگردی رمزناک و سمبولیستی، حکایات و تمثیل‌های فراوان آورده شده است تا راهنمای راهروان مکتب عرفان باشد و به شناخت حقیقت و درک معنویت نائل آیند.

در حقیقت «منطق الطیر» یک اثر نمادین و تمثیلی است که در آن عطار نیشابوری، شرح حال سالکانی را بیان می‌کند که مراحل مختلف سلوک را با راهنمایی هدهد طی می‌کنند و سرانجام هم با راهنمایی هدهد به مرحله‌ی فنا می‌رسند. در منظومه‌ی «مصیبت نامه» که در چهل مقاله سامان یافته است مسیر سلوک در عالم مثال و هم چنین موانعی که بر سر راه سالک برای رسیدن به حقیقت وجود دارد، بررسی می‌شود. تفکر حاکم در مصیبت نامه‌ی عطار، جست و جوی خدا و اصل عالم و سرانجام یافتن آن در وجود خود انسان است.

در «الهی نامه» که داستان خلیفه با شش پسر خود است در واقع همان پیام «منطق الطیر» بیان می‌شود که هدفی که بشر در جستجوی آن است، در وجود خودش نهفته می‌بیند. کتاب «اسرار نامه» اولین اشعار داستانی و نمادین عطار است که محققان کمتر به آن پرداخته‌اند این اثر فاقد یک انسجام خاص است اما در هر مقاله یک عقیده بیان می‌شود و سپس در پایان حکایت نتیجه‌گیری خاص خود را دارد. پیام کلی کتاب «اسرارنامه» فانی و پوچی این دنیاست. بدین منظور می‌کوشیم برای بسط موضوع و فراهم آوردن بستری مناسب، ابتدا خلاصه‌ای از تعریف نماد و تمثیل ارائه دهیم، سپس به بررسی نمونه‌های شعری از چهار اثر مذکور که نماد و تمثیل در آن به کار رفته است بپردازیم. لازم به یادآوری است که نتایج حاصل از این بررسی نمی‌تواند از هر حیث جامع باشد زیرا بدیهی است که بررسی جامعی از نمادها و تمثیل‌های به کار رفته در اشعار عطار نیشابوری فرصت و زمان طولانی‌تری می‌طلبد.

### بیان مسأله

نماد و تمثیل در آثار بزرگان زبان و ادب فارسی نقش بسیار مهم و موثری دارد و بخش عمده‌ی بسیاری از متون منظوم عرفانی ما به صورت تمثیل و نماد است. بزرگانی مانند عطار و مولوی و دیگر شاعران، مسائل را به شیوه‌ی تمثیل و نماد بکار گرفته‌اند. این روش به کار گرفته توسط شاعران و نویسندگان علت‌های خاص خود را داشته است. این روش به نوعی الهام گرفته از آیات قرآنی است؛ زیرا در قرآن کریم برای محسوس شدن برخی مسائل، مطالب به شیوه‌ی تمثیل، بیان شده‌اند. عدم درک مسائل عرفانی، ترس از برخورد حاکمان ظالم و گریز از نصیحت مستقیم نویسندگان و شاعران را بر آن داشته است تا از زبان نمادین و تمثیلی استفاده کنند.

در تاریخ ادبیات فارسی تنها به اندک شاعرانی بر می‌خوریم که در مقابل زورگویان و جباران ایستاده باشند. عطار نیشابوری از زبان دیوانگان و توده‌ی مردم و در قالبی نمادین با خشم در مقابل جباران قد علم می‌کند. زبان تمثیلی او گویای برخوردی نابرابر در مقابل این حکام است. «اکثر قصه‌های تمثیلی بر سبیل شاهد مدعاست و ناظر به آن است که نمونه‌ای از صورت وقوع یافته‌ی مدعا را در یک شکل مشابه و قابل ادراک نشان می‌دهد.» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۱۰۲-۹۷)

هدف عطار از بیان نمادها و تمثیل‌ها بیداری غیر مستقیم جامعه و تغییر رفتار حکام است. برای شناخت و آگاهی کامل از حال و روز عطار به عنوان یک شاعر و منتقد مطالعه‌ی آثار وی ضروری به نظر می‌رسد.

«تنها با «درخود» شدن اندیشه است که انسان اندیشمند عهد مغول، خود را از جهان خاکی آزاد می‌کند و از سلطه‌ی عملکرد نیروهای سیاسی نظام اجتماعی فئودال‌ها رها می‌شود. اما زمانی که با آفرینش هنری، دیگر بار، با جهان خاکی مرتبط می‌شود، یافته‌ها را در قالب نماد و تمثیل بیان می‌دارد و در جامه‌ی نماد، ارزش‌های مسلط اجتماعی را به سخره می‌گیرد. در مقام ستیز با دشمن و گرایش و کوبش ارزش‌های اجتماعی، و بیان راستین نیازهای اصیل انسانی، ادیب و هنرمند ناگزیر از توسط به زبان نماد و تمثیل است.» (ملکی، ۱۳۹۰: ۲۱۹)

در چهار اثر عطار نیشابوری (منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه) زبان نمادین و

تمثیلی چه در حوزه‌ی عرفان و چه در حوزه‌ی سیاسی و اجتماعی نقشی برجسته داشته است. عطار نیشابوری از این زبان نمادین و تمثیلی به چه شیوه‌ای بهره گرفته است؟ او منظور و هدف خود را به چه زبانی برای مردم بازگو کرده است؟

### پیشینه‌ی تحقیق

اکبر آبادی محسن (۱۳۹۴) به «تحلیل کیفیت عرفانی و نمادین زبان» در منظومه‌های عطار می‌پردازد. او اعتقاد به کیفیت تمثیلی و نمادین و مهمتر از آن کیفیت تعلیمی و آگاهانه آثار عطار دارد.

قوامی بدریه و سالور پریسا (۱۳۹۲) در تحلیل خود رمزهای به کار رفته در مصیبت‌نامه‌ی عطار را تحلیل و بررسی می‌کنند.

خدیور هادی و داهیم ربابه (۱۳۹۱) در اثر خود «نماد انگاری در منظومه‌های عطار» به بررسی جنبه‌های رمزی و عرفانی منظومه‌های عطار پرداخته است.

آذرگون علی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «نماد در منطق الطیر عطار نیشابوری» به شرح نمادها و تمثیل‌های به کار رفته در کتاب منطق الطیر همت گماشته است.

ملکی لیدا (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش ادبیات در بازآفرینی اوضاع اجتماعی ایران در عهد مغول» به بررسی نقش نماد و تمثیل و استفاده هنرمندان و ادیبان از این هنرنمایی در مقابل زورگویان می‌پردازد.

فاطمه سید کلثوم (۱۳۸۲) در تحقیق خود از کتاب الهی‌نامه‌ی عطار ضمن بررسی خود از این کتاب این اثر همراه با دیگر کتاب عطار یعنی منطق الطیر، آن‌ها را آثاری رمزناک و سمبولیتی می‌داند.

اما در این پژوهش، چهار اثر عطار از جهت تمثیل و نماد مورد عنایت قرار گرفته است.

### سؤالات تحقیق

- ۱- می توان گفت که عطار از بازیگران صحنه‌ها به عنوان رمز و نماد بهره برده است؟
- ۲- نمادها و تمثیل‌های به کار رفته در منظومه‌های عطار چه نقشی در آگاهی مردم زمان خود داشته‌اند؟
- ۳- نمادها چه مفاهیم و موضوعاتی در منظومه‌های عطار آفریده‌اند؟

### روش تحقیق

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و براساس نمونه برداری از آثار عطار و بررسی منابع و مقالات مهم و تهیه کتب است. تلاش بر مقایسه و تحلیل و تجزیه آثار عطار با مآخذ مشابه مورد نظر بوده است؛ به گونه‌ای که اندیشه‌ی عطار نشان داده شود.

در کتب لغت و فرهنگ‌ها معانی و مترادفات زیادی برای نماد و تمثیل گفته شده است. نماد یا سمبل یکی از صور خیال شاعرانه است که به دلیل وسعت و گستره‌ی معنایی بالاتر از استعاره قرار می‌گیرد. اما نماد دارای معانی مختلفی است: ظاهر شدن، نشان دادن و مترادفاتی همانند: رمز، مظهر، نشانه، علامت. نماد را معادل واژه‌ی فرانسوی (symbol) می‌دانند. در کتب علوم بلاغی نماد را این گونه تعریف کرده‌اند: نماد عبارت است از هر گفتار یا تصویری که علاوه بر معنای آشکار و صریح خود، معانی کنایی و پوشیده نیز داشته باشد.

«نماد پردازی در شعر فارسی تقریباً با سنایی رسمیت یافت، پیش از وی در شعر شاعران عارف کاربرد این گونه تصاویر نمادین بسیار اندک است اما همین تصاویر ریشه در سنت ادبی پیش از وی دارد. بنابراین نماد پردازی در ادبیات صوفیه یکباره و ارتجالاً در آثار سنایی یا دیگران پدید نیامده است بلکه شاعران عارف برای رمز سازی از میراث ادبی کهن بهره‌های بسیار گرفته‌اند.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۴-۲۱۳)

انسان‌ها برای شناخت و درک بهتر از دنیای پیرامون خود معمولاً از حواس پنج گانه و قوای عقلانی بهره و کمک می‌گیرند و موجودات و دنیای اطراف خود را از این طریق می‌شناسند و به درک محسوسات می‌پردازند. اما برای شناخت پدیده‌هایی که خارج از قوه‌ی درک انسان‌ها باشند کار برای شناخت و درک بهتر دشوار گردد. پس برای درک اینگونه پدیده‌ها از احساس

و تخیل کمک می‌گیرند. و در واقع، بیان کردن بعضی مفاهیم با زبان عادی امکان پذیر نیست یا خیلی دشوار است. گوینده ناچار می‌شود از توانایی‌هایی که باعث افزایش قدرت زبان می‌شود بهره‌برد، در نتیجه کلام به صورت رمزی و نمادین در می‌آید و این بیان نمادین و رمزآمیز باعث غنای بیشتر زبان شعری می‌شود.

در نماد شناسی شعر فارسی، حیوانات جزء مهمی از نمادها هستند. در داستان‌های شاعران و نویسندگان همانند عطار و مولوی، حیوانات را نماد شخصیت‌های متفاوت دانسته‌اند. در داستان‌های منطق الطیر، الهی نامه و مصیبت نامه داستان‌های نمادین و رمزی بسیاری وجود دارد که عطار با آگاهی و شناخت کامل به آنها پرداخته است. این نمادها دارای مفاهیم اجتماعی، عاشقانه و عرفانی است. در اکثر داستان‌های نمادین عطار ما را به نوعی سفر درون رهنمون می‌شود. علت اصلی به کارگیری نماد در آثار عطار این است که عطار از سرگذشت عارفانی همانند منصور حلاج و عین القضاة همدانی درس گرفت و انتقادات و افکار خود را با زبان رمزی و نمادین به کار برد. «در ادبیات فارسی داستان‌ها و افسانه‌های فراوانی مربوط به حیوانات در قالب نظم و نثر بیان شده است که در بیشتر آنها حیوانات به زبان انسان‌ها سخن می‌گویند. به این گونه داستان‌ها در اصطلاح «فابل» می‌گویند که غرض از آنها نوعی داستان تمثیلی و استعاری است که جانوران و پرندگان و گیاهان و جز آنها در نقش انسان ظاهر می‌شوند.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۲۴۱)

در واقع جو خفقان و دردآور حاکمان ظالم در دوره‌های مختلف باعث می‌شده است که شاعران و نویسندگان نتوانند در چنین فضایی آزادانه نظریات خود را بازگو کنند پس ناچار و ناگزیر به سمت استفاده و آفرینش نمادها و نشانه‌ها می‌رفته‌اند.

اما واژه‌ی تمثیل به معنای «شبییه» یا «مانند و هم‌تا» معنا شده است واژه‌ی تمثیل به معنای زیر آمده است: ۱- مثال آوردن ۲- تشبیه کردن ۳- صورت چیزی را مصور کردن ۴- داستان آوردن ۵- عقوبت کردن، عذاب کردن (زیرا چنین کسی را سرمشق و نمونه برای دیگران می‌دانسته‌اند).

الشیریشی، شارح مقامات حریری، چنین می‌گوید: «المثل عبارة عن تعريف لا حقيقة له في الظاهر و ضمن باطنه الحكم الشافیة» (الشیریشی متولد ۵۵۷، شارح مقامات حریری متوفی

۶۱۹). مثل غالباً از اشیا و جمادات و حیوانات و مانند آنها حکایت می‌کند و در ظاهر حقیقی نیست اما در درون آن، معانی عالی و پر مغز نهفته است. «تمثیل از ارتباط دوگانه‌ی بین مشبه و مشبه به به وجود می‌آید و بیان حکایتی است که یک معنای ظاهری دارد اما مقصود گوینده که معنای کلی‌تر دیگری است. قهرمانان حکایت تمثیلی ممکن است افراد انسانی یا جانوران باشند. این قسم اخیر، معروف‌ترین نوع تمثیل است و فرنگیان به آن «فابل» می‌گویند. مثلاً در کتاب «کلیله و دمنه» که عالی‌ترین مجموعه‌ی فابل در ادبیات فارسی است، هر یک از حیوانات مظهر یک طبقه از افراد هستند» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۰۹-۲۰۵)

بزرگان زبان و ادب فارسی به سه دلیل از تمثیل استفاده کرده‌اند:

۱- جرأت نداشته‌اند مسائل را به صورت آشکارا بیان کنند ۲- گاهی درک مسائل عرفانی سخت بود پس از زبان تمثیل استفاده می‌کردند ۳- برای تأثیر بیشتر بر مخاطب زبان تمثیل را انتخاب کرده‌اند.

پس آنچه حکایت‌های کهن فارسی را از داستان‌ها و افسانه‌های دیگر اقوام و ملت متمایز و برجسته می‌کند بهره‌گیری و استفاده از مثل‌های شیرین است. در این حکایات گوینده برای بیان و آشکار کردن منظور خود از رویداد یا نیستی دیگر بهره می‌گیرد و با رمز و نشانه سخن خود را آرایش می‌دهد.

اکثر حکایت‌های تمثیلی زیبایی که عطار نیشابوری در آثار خود به کار گرفته است برای رسیدن به کمال انسانی و فضیلت‌های اخلاقی بوده است.

خداوند متعال در تورات و انجیل به ویژه در قرآن کریم، توجه خاصی به تمثیل داشته است. «در قرآن به بیش از ۱۷ مثل و تمثیل تصریح شده و بیش از ۲۴۵ آیه‌ی قرآن به عنوان ضرب‌المثل در زبان عربی و فارسی به کار می‌رود. برخی از تمثیل‌های قرآن در کتاب‌های آسمانی پیشین آمده اما برخی از آنها به حدی زیبا و در نهایت کمال است که مجال هرگونه شک و شائبه‌ی تقلید را بر مستشرقان بسته است» (ریچارد پل، مستشرق انگلیسی استاد لغت دانشگاه

ادینبرو مؤلف کتاب (origin of Islam)

«از علل عمده‌ی مقبولیت تمثیل در جوامع بشری می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

۱- تمثیل معمولاً ساختاری داستانی دارد و علاقه به داستان در نهاد بشر امری فطری است؛

زیرا تمامی چهار ویژگی عمده‌ای را که محققان برای امور فطری بر می‌شمارند، در قصه و داستان دیده می‌شود. این ویژگی‌ها به طور خلاصه عبارتند از: ۱- خاص نوع انسانند ۲- همگانی هستند ۳- تغییر ناپذیرند ۴- این گرایش و علاقه محصول یادگیری نیست؛ به عبارتی دیگر اکتسابی نیستند. با کمی تأمل در می‌یابیم تمامی این ویژگی‌ها در قصه آشکار است؛ ۲- تمثیل یا بیانی غیر مستقیم و کنایی، از تلخی و گزندگی پند می‌کاهد ۳- معمولاً معانی انبوه در قالب تمثیل به شکلی موجز ارائه می‌شود و کمتر باعث خستگی و ملالت مخاطب می‌گردد ۴- مهم‌ترین نکته آن است که تمثیل، چون سایر آرایه‌ها فرآیندی دوجانبه دارد؛ بدین گونه که گوینده با بیانی تمثیلی نیمی از انتقال پیام را به عهده می‌گیرد و باقی را به عهده‌ی شنونده و مخاطب می‌گذارد ۵- تمثیل در فرهنگ بشری مروج و روحیه‌ی تسامح و نقطه‌ی اشتراک است به گونه‌ای که هیچ کس آن را محل مناقشه نمی‌داند.» (شرفی، ۱۳۹۴: ۳۴۴)

شکل و بافت حکایت‌های تمثیلی عطار نیشابوری ساده و کوتاه است و قالب‌های به کار گرفته شده هم یکسان است، تنها مطلبی که جلب توجه می‌کند این است که رویدادها و مضمون حکایات عطار گوناگون است. حکایت‌های تمثیلی عطار با یک گفتگوی ساده آغاز می‌شود سپس به گونه‌ای استعاری گسترش می‌یابند. در ادامه‌ی این بحث نماد و تمثیل در شعر عطار نیشابوری، به نمونه‌هایی از ابیات و اشعار او اشاره می‌شود:

هدهد نماد یک رهبر برای رسیدن به سیمرخ حقیقت و رساندن دیگر پرندگان به آن وادی در تلاش است:

مرحبا ای هدهد هادی شده در حقیقت پیک هر وادی شده

صاحب سَر سلیمان آمدی از تفاخر تاجور زان آمدی

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۳۵)

طوطی همانند ابراهیم خلیل (ع) باید آتش نفس را خاموش کند:

سر بزن نمرود را همچون قلم چون خلیل اله در آتش نه قدم

(همان: ۳۵)



کوه در منطق الطیر نماد نفس است که باید با ریاضت آن را رام کرد:

کوه خود درهم گداز از فاقه ای      تا برون آید ز کوهت ناقه ای

(همان: ۳۵)

بلبل نماد مردم جمال پرست و طالب زیبایی است او تنها عاشق گل است و بس:

در سرم از عشق گل سودا بس است      زانک مطلوبم گل رعنا بس است

(همان: ۴۳)

طوطی نماد دنیا داران و ثروت پرستان:

خضر مرغانم از آنم سبز پوش      بوک دانم کردن آب خضر نوش

(همان: ۴۵)

طاووس نماد اهل ظاهر است:

گرچه من جبرئیل مرغانم ولیک      رفت بر من از قضا کاری نه نیک

(همان: ۴۶)

بط نماد زاهدانی که وسواس در طهارت دارند:

من ره وادی کجا دانم برید *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*      زانک با سیمرخ نتوانم پرید

(همان: ۴۸)

عطار آدمی و سالک را به چشم موسیچه می بیند:

خه خه ای موسیچه ی موسی صفت      خیز و موسیقار زن در معرفت  
همچو موسی دیده ای آتش ز دور      لاجرم موسیچه ای بر کوه طور

(همان: ۳۹)

کبک نماد مردم ظاهر پرست:

چون ره سیمرخ راه مشکل است  
پای من در سنگ گوهر در گلست  
(همان: ۴۹)

هما نماد انسان‌های مغرور است:

نفس سگ را استخوانی می‌دهم  
روح را زین سگ امانی می‌دهم  
(همان: ۵۲)

باز نماد انسان‌هایی که از نزدیکی به پادشاه مغرورند:

من اگر شایسته سلطان شوم  
به که در وادی بی پایان شوم  
(همان: ۵۳)

بوتیمار نماد انسان‌های خسیس است:

چون منی را عشق دریا بس بود  
در سرم این شیوه سودا بس بود  
(همان: ۵۵)

جغد نماد انسان‌های گوشه نشین:

من نیم در عشق او مردانه‌ای علوم انسانی و مطالعات  
عشق گنجم باشد و ویرانه‌ای  
(همان: ۵۷)

صعود نماد انسان‌های ضعیف:

گفت من حیران و فرتوت آمدم  
بی دل و بی قوت و قوت آمدم  
(همان: ۵۸)

تذرو از کنگره‌ی عرش مبتلای کنج محنت آباد شد:

مرحبا ای خوش تذرو دوربین  
در میان چاه ظلمت مانده‌ای  
چشمه‌ی دل غرق بحر نور بین  
مبتلای حبس و تهمت مانده‌ای  
(همان: ۴۱-۴۲)

فاخته نماد بی وفایی و بی مهری:  
مرحبا ای فاخته بگشای لب  
چون بود طوق وفا در گردنت  
تا گهر بر تو فشانند هفت صحن  
زشت باشد بی وفایی کردنت  
(همان: ۴۲)

شیخ صنعان نماد انسان‌هایی که به امتحان الهی مبتلا می‌شوند:  
یوسف توفیق در چاه افتاد  
عقبه دشوار در راه افتاد  
(همان: ۶۸)

دختر ترسا نماد انسانی که با لطف الهی به دریای حقیقت رسیده است:  
آخر الامر آن صنم چون راه یافت  
ذوق ایمان در دل آگاه یافت  
(همان: ۸۸)

دیوانگان نماد مبارزانی که ظلم شاهان را تاب نمی‌آورند:  
به شه گفتا چرا اگر عقل داری  
گناهت می‌بری زر می‌گذاری  
گنه با خویشان در گور بردی  
همه زرها رها کردی و مردی  
(اسرارنامه، ۱۳۳۸: ۱۶۰)

دیوانه‌ای که وقتی دید امام جماعت به خرید گاو مشغول است بانگ گاو بر آورد:  
کسی بیش خطیب آمد به تعجیل  
سوالش کرد از آن حالت به تفضیل  
چو در الحمد خواندن کردم آغاز  
به خاطر اندر آمد گاو ده باز  
(الهی نامه، ۱۳۳۸: ۱۸۷)

تمثیل زیبای شمع و پروانه که راه رسیدن به معشوق و فنای او در آتش به تصویر می‌آید:

یک شبی پروانگان جمع آمدند  
در مضمینی طالب شمع آمدند  
شد یکی پروانه تا قصری ز دور  
در فضای قصر یافت از شمع نور

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۲۲۲)

در مصیبت نامه باد نماد نسیم روح است:

یوسفی در مصر جان داری مقیم  
گر نسیم او بیابی یک نفس  
هر زمان می‌رسد از وی نسیم  
آن نفس دانی که باشی هیچ کس

(مصیبت نامه، ۱۳۸۸: ۳۲۷۴-۳۲۷۹)

عطار در مصیبت نامه در مقاله‌ی دهم بهشت را تمثیلی از دیدار جمال حق می‌داند:

در بهشت است آفتاب لایزال  
هر که اینجا آشنایی یافت او  
یعنی از حضرت تجلی جمال  
زان تجلی روشنایی یافت او

(همان: ۲۳۹۶-۲۳۹۵)

عطار در مصیبت نامه پرنده را نماد عالم علوی می‌داند:

پیر گفتش هست مرغ از بس کمال  
جمله‌ی معنی علوی را مثال

(همان: ۴۳۸۴-۴۳۸۲)

او رسول اکرم (ص) را نماد «فقر» می‌داند:

نقطه‌ی فقر، آفتاب خاص اوست  
در دوکونش، فخر، از اخلاص اوست

(همان: ۶۰۵۵)

ابلیس از نظر عطار آرزوهای نفسانی است که زائیده‌ی نفس است:

عشوه ابلیس از تلبیس تست در تو یک یک آرزو ابلیس توست

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۱۳۳)

عطار در منطق الطیر از خضر هم انتقاد می‌کند و آرزوی جاودانگی او را مورد سرزنش قرار می‌دهد او می‌گوید راه عشق راه بقا نیست:

چون توان در حفظ جانی مانده من به تو هر روز جان افشانده

بهتر آن باشد که چون مرغان ز دام دور باشیم از هم والسلام

(همان: ۵۶)

در داستان تمثیلی روباه و گرگ در کتاب اسرارنامه، دو شخصیت روباه و گرگ را به گفت و گو با هم و می‌دارد سپس نتیجه گیری خود را با تعهدات اخلاقی و آموزش‌های ایمانی و عرفانی خود پیش می‌برد:

به روباه گفت اگر مشتاق مایی فرود آیم بگو، یا تو بر آیی؟

جوابش داد آن روباه دلتنگ که من لنگم تو به کایی بر لنگ

زبان بگشاد آن گرگ ستمکار که ای روبه مرا تنها بمگذار

امان کی یافت آن گرگ دغل باز که با روبه کند گرگ آشتی ساز

سگی ست این نفس در گلخن بمانده اگر با استخوان کیبویی<sup>۱</sup> تو

(اسرارنامه، ۱۳۸۶: ۱۶۱-۱۶۲)

در داستان زنبور و مورچه از کتاب الهی نامه، عطار در یک فضای تمثیلی زنبور را نمادی از یک موجود بی فکر و خوشحال و سوسه گر می‌داند و مورچه نمادی از عقل دوراندیش. سپس نتیجه گیری عطار یعنی باز داشتن نفس از آلودگی‌های زندگی مادی:

<sup>۱</sup> کیبوی را مرغی دانسته‌اند که در جنگل‌ها از تارهای نازک برگ درختان آشیانه خود را می‌سازد در اینجا استخوان آن باعث می‌شود که سگ نفس گرسنه نماند و فربه شود

که هر کو آن خورد کو را بود رأی  
همی آنچس نباید دید ناکام  
قدم بر حد خود باید نهادن  
غرور و کبر کم باید گرفتن  
نشیند بر مراد خود همه جای  
همه همچون تو آن بیند سرانجام  
به فرمان گام می‌باید گشادن  
ره خلق و کرم باید گرفتن

(الهی نامه، ۱۳۵۱: ۱۶۹)

در حکایت تمثیلی دیگری در کتاب الهی نامه پس از آنکه شخصیت اصلی حکایت یعنی روباه به دام می‌افتد و خود را به مردن می‌زند هر کسی عضوی از بدن او را جدا می‌کند و سرانجام آنچه از بدن روباه می‌ماند «دل» اوست داستان نمادینی که عطار درست می‌کند قابل ستایش است او در این حکایت دل را از نظر عارفان و عاشقان مرکز عشق و امید می‌داند:

چو نام دل شنید از دور روباه  
به دل می‌گفت با دل نیست بازی  
بگفت این و به صد داستان و تزویر  
دل من گم شد از من ناپدیدار  
چو دانم از دل خود بی نشانم  
جهان بر چشم او شد تیره آن گاه  
کنون ناید به کارم حيله بازی  
بجست از دام همچون از کمان تیر  
نه من از دل نه دل از من خبر دار  
نشانی کی بود از دستانم

(همان: ۱۸۲)

شاهین در منطق الطیر عطار چون در سیری و گرسنگی اعتدال را نگه می‌دارد به شاهین ترازو در اعتدال تشبیه شده است این پرنده به خاطر شکوه خود شاه مرغان است:

خه خه ای شاهین به پرواز آمده  
چون بگردد از دوگیتی رأی تو  
رفته سرکش سرنگون باز آمده  
دست ذوالقرنین باشد جای تو

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۴۳-۴۲)

سرزمین چین در نظر عطار نمادی از عالم هستی است:

آن پر اکنون در نگارستان چین ست

أطلبو العلم و لو بالصین ازین ست

(همان: ۴۷)

سوزن نماد دل‌بستگی دنیایی است:

سوزنی چون دید با عیسی بهم

بیضه‌ای بر رو فکندش لاجرم

(همان: ۳)

خوک نمادی از صفات زشت و خودخواهی و ریاکاری:

در نهاد هر کسی صد خوک هست

خوک باید کشت یا زئار بست

(همان: ۹۱)

خر نماد نفس و تن و عیسی نماد جان:

نفس را همچون خر عیسی بسوز

پس چو عیسی جان به جانان برفروز

خر بسوز و مرغ جان را کار ساز

تا تو را روح الله آید پیشباز

(گوهرین، ۱۳۲۷: ۲۵۷)

مگس نمادی از ضعف و کوچکی و حقارت:

صد بلا در هر نفس آنجا بود

طوطی گردون، مگس آنجا بود

(منطق الطیر، ۱۳۷۴: ۲۱۵)

در کتاب الهی نامه‌ی عطار، گفت و گوی یک خلیفه با شش پسر جوان خود را به روشی

تمثیلی بیان شده است عطار در این داستان آرزوهای انسان را از طریق پسران پادشاه مطرح

می‌کند اما شیوه‌ی نمادین و تمثیلی عطار از این شش پسر به شرح زیر است:

پسر اول نماد نفس است که آرزوی وصال دختر شاه را دارد:

به نطق آورد اول یک پسر راز  
که دارد شاه پریان دختری بکر  
که اصل است از بزرگان سرافراز  
که نتوان کرد مثلش دیگری ذکر  
(الهی نامه، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

پسر دوم نماد و تمثیلی از وهم است او خواهان سحر و جادوگری است:  
پسر آمد دوم یک با پدر گفت  
که من در جادویی خواهم گهر سفت  
پدر گفتش که دیوت غالب آمد  
دلت زان جادویی را طالب آمد  
(همان: ۱۷۷)

پسر سوم نماد عقل است او به دنبال جام جم است:  
پسر آمد سوم یک با کمالی  
پدر را داد حالی شرح حالی  
که یک جام است در گیتی نمایی  
من آن خواهم نه فر پادشاهی  
(همان: ۲۲۰)

پسر چهارم به دنبال آب حیات است و زندگی جاودان نماد دانایی و علم:  
پس آمد چهارم یک نکو رأی  
همه آرام و آسایش سر و پای  
پدر را گفت تا در کایناتم  
به صد دل طالب آب حیاتم  
(همان: ۲۶۸)

پسر پنجم به دنبال انگشتی سلیمان است او نماد فقر است:  
پسر گفتش که هرگز آدمی زاد  
ندیدم ز آرزوی ملک آزاد  
نمی‌بینم من از مه تا به ماهی  
کسی را کو نخواهد پادشاهی  
(همان: ۳۶۵)



پسر ششم به دنبال کیمیاست او نماد توحید و طالب ذات واحد است:

پسر آمد ششم یک دل پر اسرار  
 پدر را گفت آن خواهم همیشه  
 ز الماس زبان گشته گهر بار  
 که باشد کیمیا سازیم پیشه

(همان: ۳۰۶)

### نتیجه گیری

از بررسی و کنکاش در منظومه‌های عطار نیشابوری این نتیجه به دست می‌آید که داستان‌های منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه هم در ساختار کلی و هم در اجزا دارای نمادها و تمثیل‌ها و رمزهایی هستند که عطار خود آگاهانه به آنها پرداخته است. در هر کدام از این منظومه‌ها سیر داستان به گونه‌ای است که انسان در نهایت به خویشتن شناسی می‌رسد. شیوه‌ی مبارزه‌ی عطار به گونه‌ای است که در مقابل حاکمان ظالم باید به گونه‌ای غیر مستقیم برخورد کند. گاهی نمادهای به کار رفته در منظومه‌های عطار مفهوم و معنایی عرفانی، سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی دارند. عطار بسیاری از تجربه‌های خود را در زمینه‌های گوناگون به صورت رمز و نماد نشان داده و از این طریق مسائل را به شکل محسوس برای مخاطبان خود گفته است. عطار خود به خوبی دریافته است که زبان نمادین و تمثیلی باعث افزایش قدرت تأثیر زبان می‌شود. و حتی کلام رمزآلود و نمادین باعث غنای هرچه بیشتر زبان شعر است.

### منابع و مآخذ

کتب:

قرآن کریم

۱. زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۸. صدای بال سیمرغ (درباره‌ی زندگی و اندیشه‌ی عطار)، تهران: سخن
۲. شمیسا، سیروس. ۱۳۷۲. انواع ادبی، تهران: فردوس
۳. شرفی، محمدرضا. ۱۳۹۴. روان شناسی نوجوان، تهران: تربیت
۴. عطار نیشابوری، فریدالدین. ۱۳۷۴. مقابله و تصحیح منطق الطیر، احمد خاتمی، تهران: پایا
۵. ----- ۱۳۳۸. اسرارنامه، تصحیح سید صادق گوهرین، تهران: صفی علیشاه

۶. ----- ۱۳۳۸. الهی نامه، به اهتمام نورانی وصال، تهران: زوار
۷. ----- ۱۳۸۸. مصیبت نامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن
۸. ----- ۱۳۸۶. محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات: سخن، چ سوم.
۹. ----- ۱۳۵۱. الهی نامه، تصحیح فؤاد روحانی، تهران: زوار، چ دوم.
۱۰. ----- ۱۳۸۸. الهی نامه. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن
۱۱. فتوحی، محمود. ۱۳۸۶. بلاغت تصویر، تهران: سخن
۱۲. گوهرین، سید صادق. ۱۳۲۷. فرهنگ و لغات و تعبیرات مثنوی، دانشگاه تهران، چ سوم.
۱۳. وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۷۴. وزن و قافیه شعر فارسی، مرکز نشر دانشگاهی، چ چهارم.

#### مقالات:

۱۴. آذرگون، علی. ۱۳۹۱. نماد در منطق الطیر عطار نیشابوری، فصلنامه‌ی ادبیات فارسی
۱۵. اکبر آبادی، محسن. ۱۳۹۴. تحلیل کیفیت عرفانی در منظومه‌های عطار، شماره اول، سال ششم، پژوهشگاه علوم انسانی
۱۶. خدیور هادی، داهیم ربابه. ۱۳۹۱. نماد انگاری در منظومه‌های عطار، فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی «عرفانیات در زبان فارسی»
۱۷. فاطمه سید، کلثوم. ۱۳۸۲. تحقیق در الهی نامه عطار، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
۱۸. قوامی بدریه، سالور پریسا. ۱۳۹۲. تحلیل رمزهای مصیبت نامه‌ی عطار
۱۹. ملکی، لیدا. ۱۳۹۰. نقش ادبیات در بازآفرینی اوضاع اجتماعی ایران عهد مغول، سال دوم، شماره هفتم، پژوهشگاه علوم انسانی



**Journal of Research Allegory in  
Persian Language and Literature**  
Islamic Azad University- Bushehr Branch  
No. 39 / Spring 2019

## **Application of the symbol and parable in the poem of Atar Nishapur**

**Jafar Havasi<sup>1</sup>, Sayed Ahmed Hosseini<sup>2\*</sup>, Farzana Yousef ganbari<sup>3</sup>**

1.Ph.D. student of Persian language and literature, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran

2.Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

3.Assistant Professor of Persian Language and Literature, Dezful Branch, Islamic Azad University, Dezful, Iran

### **Abstract**

Attar Neishaburi, the great poet and great mystic of the sixth and seventh centuries, offers the meanings and themes of the highest mysticism in the best form in the form of symbolism and allegory. In his four well-known works (mantegh al-Tayer, mosibat nameh and elahi nameh and asrar nameh), he has set the cipher and symbol of his stories. The actors of his scenes are symbolic and allegorical that bestowed the poet's ultimate goal. The allegories used in the writings of Attar are the reporter of his feelings and experiences. He misses the bitterness of the bitterness of the bitter and indirect expression of his real goals. In this article, the writers have devised a descriptive analysis of the symbols and parables used in the poet's poetry for the necessity of research, focusing on four works of Attar.

**Key words:** symbolism and allegory, logic of al-Tayyur, tragedy, divine letter and mystery of Attar

---

\*E-Mail: sahkazerooni@yahoo.com